

بخش راجع بزنان

بقلم خانم دکتر شمس الملوك مصاحب

دکترس در ادبیات

در اطراف شرکت زنان در امر انتخابات

مدهاست که موضوع شرکت زنان در امر انتخابات در مجامع و جراید مورد بحث و مذاکره است و موافق و مخالف عقاید خود را در اطراف آن ذکر میکنند.

از بین موافقین کسانی هستند که برای زنان مطلقاً حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در حال حاضر رایی هیچ شرط و مانعی قائل اند و دلایلی هم اقامه میکنند و مقاله آقای دکتر کشاورز مندرج در شماره چهارم دوره جدید مجله آینده نمونه آنست. دستهای نیز دخالت در این دو امر را حق واقعی زنان می‌شمارند منتها در محیط کنونی اجرای انرا دشوار می‌پندارند و اقلماً بچهار یا پنج سال بعد موکول میدانند چنانچه نگارنده باعده ای از آقایان و کلای مجلس که در این خصوص صحبت میداشتم همین عقیده را اظهار میداشتند.

عقیده سومی هم هست و آن بنوعی است که در شماره چهارم مجله شریفه آینده مندرج است یعنی زنان فقط حق انتخاب شدن را داشته باشند بدون شرکت در انتخابات کردن و دلیل اصلی که برای این نظر ذکر شده است لزوم وجود چندین وکیل زن در مجلس است. اما عقاید مخالفین :

عده ای باین دلیل که تنها وظیفه زن خانه‌داری و پرورش فرزند است مخالف این امرند. عده دیگر بدون اینکه این مطالب را هم در نظر داشته باشند اصولاً دخالت در کارهای اجتماعی و سیاسی را مناسب با ساختمان روحی و جسمی زن نمی‌دانند و لذا او را غیر قادر بانجام این امور می‌پندارند. دسته سومی موضوع سواد را نیز در این مسئله دخالت میدهند و چون تعداد زنان بی سواد در کشور ما از مردان بی سواد زیاد تر است باین

دلیل دخالت زنانرا در کار انتخابات غیر جایز می‌شمارند .

پاسخ ما بآن دسته‌ایکه تنها وظیفه زنها خانه‌داری و پرورش فرزند می‌شمارند اینستکه هر شخصی که اندک فهم و ادراک داشته باشد این معنی را تصدیق میکند که اهم وظیفه زن همان خانه‌داری و پرورش فرزند است و تا اینجا بایکدیگر اختلاف نظری نداریم منتها وظیفه زن باینجا خاتمه نمی‌یابد و در جزو هزاران تکلیفی که دارد یکی از آن تکالیف و شاید مهمتر از همه آنها اینست ولی منحصر به فرد نیست .

اما کسانیکه زنانرا غیر قادر بانجام کارهای سیاسی واجتماعی میدانند ، دلایل مخالف عقیده آنان بسیار زیاد است . وجود زنان معروفی که در امور سیاست و سلطنت و وزارت و وکالت وسایر امور اجتماعی و سیاسی و نیز امور علمی و ادبی دخالت کرده و بنحو کاملی از عهده انجام آن بر آمده اند و شاهد های زنده و غیر قابل انکاری هستند منطق و دلیل آنانرا رد میکند بقول مرحوم ادیب الممالف فراهانی :

دلیل قول اگر بر هوا کنند یرواز چو شد مخالف حس و نظر شکسته پراست
اما موضوع سواد ، اینجا اصولا این مطلب پیش می‌آید که آیا برای انتخاب کردن سواد لازم است یا نه ؟

نگارنده بشخصه عقیده دارد که کسی حق انتخاب کردن دارد که سواد داشته باشد .

این عقیده ایستکه همیشه درمن وجود داشته است و خوشوقتانه موقعی هم که آقای دکتر مصدق طرح جدید انتخابات را تنظیم فرموده و منتشر ساختند دیدم در نظر سائب ایشان نیز این شرط برای انتخاب کنندگان لازم شمرده شده است .

ولی بهر حال این شرط هم اگر لازم باشد باید آنرا بطور مساوات در نظر داشت یعنی تنها مرد و زن با سواد بتوانند انتخاب کنند و مرد و زن بی سواد هر دو از انتخاب کردن محروم باشند .

از عقاید مخالفین که دیده شد رد کردن آن با دلایل و منطق ساده و درعین حال خیلی محکم صورت می‌گیرد وقتی بگذریم و بعقاید موافقین برسیم بنظر میرسد که این عقاید نیز برای اینکه بمرحله عمل رسد جرح و تعدیلی لازم دارد .

عقیده دسته اول موافقین که حق انتخاب شدن را در حال حاضر بی هیچ شرطی جایز می‌شمرد از لحاظ تساوی در آزادی و حقوق بشری که بین زن و مرد قائل شده است عقیده‌ای صحیح و منطقی است؛ در آنجا بین زن و مرد بی‌سواد تفاوتی موجود نیست این نظر صحیح است جز اینکه چنانکه گفته شد سواد یکی از شروط لازم انتخاب کردن است زیرا کسیکه سواد ندارد فی الواقع زنده نیست و حق حیات ندارد.

اما بدسته دوم موافقین یعنی کسانی که جنبه محافظه کاری آنها غالب است و وضع کنونی را برای ابراز عقیده خود مقتضی میدانند باید گفت شهادت و جرئت فردی اجتماعی تنها موقعی ظاهر میشود که در سر راه اقدام بعمل حقانی و صحیح موانع و محظوراتی موجود باشد و فکر صحیح و عمل حقیقت جو بر علیه آن موانع و محظورات مبارزه کند. اگر انتخاب کردن و انتخاب شدن حق زن است چرا باید از اینکه محیط کنونی مناسب نیست ترسید؟ اصولاً چگونه و بدست که این محیط نامناسب مناسب میشود؟ بدست مدافعین حقوق و مساوات بشری و بوسیله جرأت اقدام بر علیه عقایدست و بوسیده. عقیده سوم که زنان بدون اینکه حق انتخاب کردن داشته باشند انتخاب شوند بنظر غیر قابل عمل و اصولاً در نظر اول تاحدی موهن بمقام زن است یعنی زنان خود دارای حس تشخیص و تمیز نیستند و نمیتوانند از بین خود کسی را بنمایند که انتخاب کنند و مردان باید دست چندن از آنها گرفته بروی کسی بنشانند.

در صورتیکه بطور قطع عقیده نویسنده فاضل و محترم این نیست و شاید ایشان باین نظر که از طرفی وجود چند نماینده زن در مجلس لازم است و از طرف دیگر اگر زنان خود انتخاب کنند با اقسام و سایل و تبلیغات که در دسترس مردان است و زنان کمتر بآنها دسترسی دارند موفق نمیشوند نماینده خود را بمجلس بفرستند.

این نظر صائبی است منتها بعقیده ناچیز نگارنده جبران آن لازم است بوضع دیگری صورت گیرد نه اینکه لزوم چند نفر نماینده زن در مجلس حق انتخاب کردن را از زنان سلب نماید. صحیح ترین طریقی که در این راه میتوان اتخاذ کرد دادن حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بزنان با سواد است با این متمم که مرد وزن بی سواد نیز حق انتخاب کردن نداشته باشند. آنچه یک حد فاصل بین دو فرادست میزان معلومات و وزیدگی فکر، نوع تربیت و خصائل و ملکات اخلاقی اوست نه جنسیت او



دروصف
دختر فرنگی
در ۷۵ سال پیش

غزل

کس رفتارم بدام چین زلف عنبرین موئی،
فرنگی زاده شوخی، کافری، ز ناز کیسوئی،
دل از یوسف بری، مجنون فریبی کوهکن سوزی،
ز ایخاطلعنی، لیلی وشی، شیرین سخنگوئی،
سرایا ناز دلداری، تدروی کبک رفتاری،
دو چشمش غمزه پرکاری بهم پیوسته ابروئی،
یکی خال سیه جا کرده بر کنج لب لعلش،
که گویند بر لب آب بقابنشسته هندوئی،
رسیده گوشه ابرو بچشم سرمه سای او،
نوینداری کما انداریست در دنبال آهوئی،
دو یستانش ز چاک پیرهن دیدم بدل گفتم:
تماشا کن که سرو ناز بار آورده لیموئی،
بهر و چون مه، به بو چون گل، ما اذ الله غلط گفتم،
نداردمه چنین روئی، ندارد گل چنین بوئی!
با هونسبت چشمش چو کردم چین بر ابرو زد،
که چشم شیرگیر ما ندارد هیچ آهوئی!
میان خوب رویان سر بلندی میسزد او را
که دارد چون ظهیر او عاشق زار دعا گوئی،
ظهیر الدین فاریابی